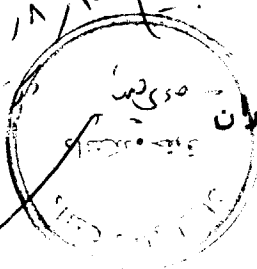


۲۵۰۳

از تاریخ ۲۰/۱۸/۵۰
در خصوص

عبدالمجید



دانشگاه ملی ایران

دانشکده حقوق

دوره فوق لیسانس مشاوران اداری

در طرف سرپرست درک درجه

جعفرزایی

احکام نفقه در ایران

براهنمائی :

جناب آقای دکتر عبدالعلی صابری صفائی

تهیه و تنظیم از:

ناصر خزانه دار

دانشجوی فوق لیسانس



احکام نفقه در حقوق ایران

مبانی لزوم انفاق پس از وقوع عقد نکاح: زن و شوهر محکم قانون مدنی در قبال یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند غالب این حقوق فاقد جنبه مالی است ولی اداره زندگی خانوادگی مستلزم مخارجی است که زوجین یا یکی از آنها باید متحمل پرداخت آن باشند و همین ضرورت موجب پاره ای حقوق مالی برای طرفین عقد می شود.

خانواده از مهمترین استحکام جامعه است و به علت جلوگیری از انهدام این واحد مهم اجتماعی قانونگذاران با وضع قوانین موجب شده اند تا امنیت اقتصادی بیشتری بآن بدهند. ایجاب و قبولیکه موجب عقد نکاح میشود طرفین ملزم به رعایت اصولی می شوند که مهمترین آن از نظر معنوی حسن سلوک و تمکین زن نسبت به شوهر و نفقه و مهر وارث از طرف مرد نسبت بزن می باشد. و می توان گفت نخستین رابطه ای که بین زوجین ایجاد می شود رابطه مادی و مهمترین رکن آن نفقه می باشد.

تادیه نفقه برای زوج تکلیف و برای زوجه حق است: تکلیف امریست که از طرف قانونگذار وضع و شخص را موظف بانجام عمل یا منع از آن مینماید و حق نیز اقتداریست

۴۶۷۹ (۶۵)

ح

احکام نفقه در ایران - خردسپاس

۱۳۵۰ - ۸

۲۵۳

که قانونگذار به فرد می‌دهد که بتواند از پاره‌ای حقوق اجتماعی متمتع شود .
 نفقه برای زوجین ایجاد حق و تکلیف میکند و از قوانین امری است و فقط در مورد نشوز
 پرداخت آن تجویز نشده .

تکلیف مرد بدادن نفقه : با اینکه زن و شوهر متقابلاً برای اداره زندگی تعهداتی
 دارند ولی چون ریاست خانواده با مرد است قانونگذار فقط او را ملزم به پرداخت
 نفقه کرده است در نکاح دائم این وظیفه ناشی از قانون است و ریشه قراردادی —
 ندارد (ماده ۱۰۶ ق ۴۰ م) ولی در عقد منقطع ادای نفقه مبتنی بر تراضی زوجین
 است (ماده ۱۱۳ ق ۴۰ م) به حال نفقه زن جز در یون مرد است و زن علاوه بر —
 استحقاق بر نفقه گذشته نفقه آینده را هم می‌تواند مطالبه کند . پرداخت نفقه
 بزن بستگی به تمکین دارد و بموجب ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی : هرگاه زن بدو ن
 مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود . در توجیه
 این ماده باید بدو نکته توجه داشت اول امتناع از اجرای وظایف زناشویی و دوم اینکه
 این امتناع از وظایف زناشویی نامشروع باشد بنابراین اگر زن بموجب مانع مشروعی از —
 انجام وظایف خود داری کند مشمول ماده ۱۱۰۸ نخواهد بود مثلاً اگر زن بموجب

ماده ۱۰۸۵ (حق حبس) قبل از دریافت مهر از انجام وظایف زناشوئی امتناع کرد مرد نمی تواند به علت نشوز از پرداخت نفقه خود داری کند ولی اگر زن بدون عذر موجه حاضر بزندگی مشترک نباشد حق بر نفقه ندارد .

تعریف ارکان نفقه : بموجب ماده ۱۱۰۷ نفقه عبارتست از مسکن والبسه و — غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و

اقلاً میکه بعنوان اجزاء نفقه در ماده قانونی ذکر شده مانند غذا و مسکن — بعنوان مثال است و جنبه انحصاری ندارد و هزینه های دیگر از قبیل دارو و درمان نیز بر عهده زوج است بنابراین نفقه عبارت از تمام وسائلی است که زن با توجه به درجه تمدن — خانواده — وضع روحی و جسمی خود بدان نیازمند است و تشخیص ارکان نفقه ملاک وضابطه ثابتی ندارد و با عرف است.

امتیازات و اولویت نفقه زن بر اقارب : اقارب نسبی در خط عمودی موظف

باتفاق یکدیگرند ولی الزام باتفاق زوجها اقارب از جهات قانونی متفاوت است:

۱ — تکلیف بانفاق خویشان متقابل است ولی در روابط زوجین تکلیف انفاق

فقط با مرد است و برعکس نفقه اقارب زن مجبور بانفاق شوهر نیست حتی اگر زن —

ثروتمند و مرد معسر باشد قانون در این مورد دستوری بنفع شوهر معسر نداده است.

۲ - انفاق اقارب در صورتی واجب است که انفاق کننده تمکن برای پرداخت

داشته باشد و گیرنده نفقه نیز بسببی محتاج باشد ولی تکلیف مرد نسبت به

نفقه زن منوط به هیچ یک از این دو شرط نیست و زوجه ثروتمند همیشه می تواند

نسبت به نفقه خود زوج را تحت فشار قرار دهد و در این مورد حکم دادگاه قطعی و لازم

الاجراست.

۳ - نفقه زن مانند سایر دیون بر عهده شوهر است. بنابراین زوجه حق

دارد نفقه گذشته خود را نیز مطالبه کند ولی انفاق اقارب فقط بمنظور اعاشه

آنهاست و بهمین دلیل مطالبه نفقه همیشه ناظر به آینده است و نسبت بگذشته -

ادعائی مسموع نیست. با توجه بماده ۶۰۶ قانون مدنی نفقه زن دو امتیاز

بر نفقه اقارب دارد.

۳ - نفقه زن مانند سایر دیون شوهر بر عهده اوست. بدین معنی که اگر

مردی طلبکاران متعددی داشته و از بابت نفقه نیز به همسرش مدیون باشد

زن نیز مانند سایرستانکاران نسبت به نفقه خود طلبکار است و چون از دیون ممتاز

شناخته شده پرداخت آن بر سایر دیون مقدم است و ضمانت نفقه زن برای گذشته نیز قابل وصول است در حالیکه ارقاب نسبت به نفقه گذشته حقی ندارند.

۴ - نفقه زن بر نفقه ارقاب مقدم است و در ورشکستگی و اعسار مرد نیز جزو دیون ممتاز است (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی - ۲۶۶ قانون امور حسبی)
 اگر مردی که دارای پدر و مادر و همسر میباشد و مدتها استطاعت پرداخت نفقه همسر و ارقاب را نداشته است و پس از مدتی قدرت مالی پیدا میکند در اینجا قانونگذار نفقه همسر را بر نفقه ارقاب مقدم دانسته و نفقه زن باید زودتر پرداخت شود .

ماهیت حق زن بر نفقه : مرد برای گذران زندگی و مسائل مختلفی در اختیار همسر خود میگذارد حال به بینیم ماهیت مالکیت زن بر این اموال چگونه است ؟
 (آیا زن مالک آنها بوده و حق هر نوع دخل و تصرفی در آن دارد یا فقط امین بوده و حق انتفاع دارد) برای جواب باین سؤال باید بین اموال مصرف شدنی و اموالیکه با استفاده از آنها عین آن باقی میماند قائل به تفکیک شد .
 لوازم مصرف شدنی از قبیل غذا و خوراک پس از استفاده از بین میروند ولی اموالیکه پس از بهره برداری قدرت دوام و قابلیت بقاء دارند مصرف شدنی نیست

در مورد دسته اول باید مالکیت زن را بر نفقه پذیرفت چون ظاهر امر اینست که شوهر آنها را به مسرشت تمليك کرده و اگر توانست مقداری از آنها را ذخیره یا صرفه جوئی کند نیز مالك محسوب می شود ولی باید دانست که در مورد نفقه فرزندان زن حکم امین دارد و در مورد نفقه فرزندان زن دیگر مالك نیست. و فقط نقش مدیره را در مورد سرپرستی فرزندان دارد.

ولی در مورد دسته دوم مالك تعبیر اراده شوهر و حکم عرف است خانه و زندگی را معمولاً مرد به مسرشت نمی بخشد فقط با و اذن انتفاع میدهد و بیمین دلیل همیشه می تواند از اذن خود عدول کند با توجه باین مطالب متوجه می شویم که در مورد دسته دوم قانونگذار اراده و شوهر را با توجه به عرف در مورد مالکیت و عدم مالکیت زن ماخذ و مبدا قرار داده.

نفقه زن در دوران زوجیت : با انجام عقد نکاح شوهر ملزم به پرداخت نفقه است (نفقه دوران زوجیت و پس از انحلال آن) نفقه زن در دوران زوجیت از ماده ۱۱۰۸ مشنبت است که تمکین و عدم نشوز شرط اصلی تحقق آنست.

نفقه زن پس از انحلال زوجیت . زن در موارد زیر مستحق نفقه است :

۱ - در مدت عده طلاق رجعی - طلاق رجعی طلاق است که موجب انحلال قطعی نکاح نمیگردد بدین جهت شوهر می تواند در مدت عده رجوع کند و در اثر آن نکاح سابق بحالت اولیه برمیگردد و فقها زمان عده را ادامه دوران زوجیت یا در حکم آن میدانند بنابراین زن مطلقه رجعیه در زمان عده در حکم همسراوست و احکام زناشوئی نیز بر آن حاکم است که انفاق یکی از آنهاست. باین دلیل است که قسمت اول ماده ۱۱۰۹ ق.م.میگوید " نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شود " با کمی توجه به مواد فوق به دو منظور قانونگذار پی می بریم اول اینکه در مدت عده رجعیه اگر شوهر به علی ازجدائی پشیمان شد و قصد بازگشت کرد رجوع کند که اصل فلسفه طلاق رجعی همین است و دوم اینکه قصد قانونگذار آنست که زن - مطلقه را اگر چه در عده باشد در حکم زن آن مرد میدانند و برای جلوگیری از سقوط و تباهی (حداقل بخاطر مادیات) مرد را ملزم به پرداخت نفقه میکند و همانطور که چند بار اشاره شد شرط تادیبه و نفقه عدم نشوز است ولی طبق قسمت آخر ماده - ۱۱۰۹ چنانچه طلاق یا بر اثر فسخ نکاح باشد زن مستحق نفقه

نخواهد بود مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل ادامه خواهد داشت و نیز در مورد عده وفات نیز قانون مدنی زن را مستحق نفقه نمیداند که اگر بساحت مقدس قانون جسارت نشود نمی توان آنرا بسادگی پذیرفت چون زنیکه شوهرش فوت میکند و به علت حصار عده نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند (بر فرض که شوهر دست بنقد و آماده زیر سرداشته باشد) و از طرفی تشریفات انحصار وراثت نیز سالها طول خواهد کشید پس تکلیف این زن داغ دیده از ناسر گذران زندگی چه خواهد شد و آیا این امر اورا بسوی نادرستی و سوق نمیدهد ؟

البته در مورد فسخ نکاح نیز بر همین مفاصل است و پس از فسخ نکاح که بوسیله هر کدام از زوجین صورت گیرد زن حق نفقه نخواهد داشت و در مورد طلاق بائن که برای مرد حق رجوع شناخته نشده نیز نفقه ای بزن تعلق نخواهد گرفت و دلیل قانونگذار اینست که در این موارد علقه زوجیت بکلی گسیخته می شود .

نفقه زن در مدت غیبت شوهر: غایب یا باصطلاح حق و قی غایب مفقود الاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و خبری از او در دست نباشد

ومسكن مشترك واقامتگاه خود را ترك گفته وكسى از محل وموقعيت او اطلاعى ندارد
 در اين مورد نفقه همسر او تا صدور حكم موت فرضى از دارايش او (البتـــه
 اگر داشته باشد) بوسيله امين يا وراثت متصرف ماترك تا مبن و تاديه مى شود
 وقانون امور حسبي در ماده ۱۴۷ ميگويد: نفقه اشخاص واجب النفقه و ديون غا^{يب}
 از جوه نقد يا منافع اموال او تاديه و در صورت عدم كفايت از فروش اموال منقول
 و در صورت لزوم از فروش اموال غير منقول پرداخت ميگردد .

تصريحى كه در ماده ۱۴۷ در مورد پرداخت نفقه و ديون غايب مفقود الا^{ثر}
 شده در ماده ۱۰۲۸ ق- م نيز با اين ترتيب تائيد شده كه ميگويد: امينى كه
 براى غايب مفقود الاثر تعيين ميشود بايد نفقه زوجه دائم يا منقطعه او را
 (كه مدت آن منقضى نشده زوج پرداخت نفقه را تعهد كرده باشد) بپردازد
 مقصود از زوجه دائم آنستكه به عقد ازدواج دائم غايب درآمد داشته باشد و چون در عقد
 نكاح قيد مدت نشده زوجه دائم است ولى زوجه منقطع براى مدت مجددي است
 كه هرگاه از چندين^{ده} سال نيز تجاوز ميكند وباسپرى شدن مدت علقه زوجيت
 نيز از بين ميرود و شرط پرداخت نفقه بزوجه منقطع آنستكه اولاً در هنگام عقد

پرداخت نفقه شرط شده باشد ثانیاً چون این عقد محدود بزمان و دوره می‌بسی است مدت آن سپری نشده باشد. بنابراین اگر غائب مفقوداً اثر تعهدی نسبت به پرداخت نفقه همسر متعه خود نکرده باشد زن حقی بر نفقه نخواهد داشت (که در اینجا نیز با عرض معذرت از قانونگذار و طلب بخشش و استغفار از مقامات دینی این اعتراض وارد است که چطور زن صیغه یا متعه پس از خاتمه مدت قرارداد با باید ۵ روز عده این بزرگوار را نگهدارد و گوشه چشمش را کسی نامحرمی نه بیند ولی در این مدت در کوچه زندگی کند و از یاد هوا تغذیه نماید؟ آیا این بی‌عدالتی یا حداقل بی‌فکری ظلمی فاحش به کسانی نیست که پیغمبر اکرم آنها را از زنده بگور شدن نجات داد؟)

۲ - نفقه زنی که در عده طلاق بائن است: زن حامله که بوسیله طلاق بائن از همسر خود جدا شده در زمان عده مستحق دریافت نفقه می‌باشد مانند زن حامله ای که برای سومین مرتبه طلاق داده می‌شود انقضای عده طلاق زن حامله وضع حمل اوست بنابراین از تاریخ وقوع طلاق تا وضع حمل مستحق نفقه خواهد بود. چنانچه ذیل ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی می‌گوید: لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت

حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت
 (توجه استاد محترم را باعتبار این قبلی جلب و اضافه مینماید پس تکلیف
 زنی که با طلاق بائن از همسر خود جدا شده در زمان عده چیست ؟) ماده
 فوق الذکر بطور کلی زنی را که بوسیله طلاق بائن مطلقه شده بهیچوجه مستحق
 دریافت نفقه نمیداند ولی بخاطر جنینی که از همسر خود در شکم دارد و اجباراً
 باید تا زمان تولد من غیر مستقیم چیزی برای تغذیه داشته باشد مورد عنایت قرار
 داده و بطور خلاصه بعنوان صدقه سر جنین مادر او را تا زمان تولد طفل
 واجب النفقه تشخیص داده (و این از مواردیست که مطلقه آرزو میکند بجای ۹ ماه
 ۹ سال و یا حداقل تا پیداکردن شوهر دیگر جنین را در شکمش نگهداری کند) .
 در ماده مذکور جمله از شوهر خود شایان دقت است چون اگر طفل متولد از
 شبهه یا زنا باشد زن در مدت حمل مستحق نفقه نمی باشد و اگر شوهر ابوت
 طفل را انکار کند نمی توان او را مجبور به پرداخت نفقه نمود و در صورت اثبات این امر
 انصاف و عقل نیز حکم میکند که وقتی شوهر مکلف به پرداخت نفقه است که نطفه —
 منعقد از او باشد و در این حالت نمی تواند از پرداخت نفقه مطلقه باینه خود شانه
 خالی

کند چون آن زن همسراوست و طفل فرزندش میباشد بنابراین باید نفقه را
بپردازد .

۳- نفقه زن حامل در مدت عده فسخ نکاح : قول مشهور پیرانست که در مورد
فسخ نکاح زوجه حق دریافت نفقه ندارد و بعضی از فقهای امامیه زن حاملی را که
نگاهش فسخ شده باشد در زمان عده مستحق دریافت نفقه میدانند ، مانند
صاحب قواعد که اشکالی در این امر نمی بیند و بنظر میرسد که قانون مدنی نیز از
این قول پیروی نموده است چون ظاهر عبارت (مگر در صورت حمل از همسر خود
که در این صورت تا زمان حمل حق نفقه خواهد داشت) مذکور در ماده ۱۱۰۹ -
استثناء از عبارت (لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد
زن حق نفقه ندارد) است بنابراین زن در مدت حمل چه در عده
طلاق بائن و چه در عده فسخ نکاح مستحق نفقه می باشد .
استثناء قرار دادن جمله (مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت
تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت) از عده طلاق بائن دور از ظاهر
عبارت و در انصاف قضائی و تحقیق علمی است .

۴ - نفقه زن مطلقه که به طلاق خلع و مبارات طلاق داده شده باشد

چگونه است ؟ طبق صریح شق ۳ ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی در طلاق خلع

و مبارات مادام که زن رجوع به عرض نکرده از اقسام طلاق پائین است

بنابراین زن حق کسوه و نفقه نخواهد داشت مگر در صورت حامله بودن زن و نیز

توارث بین زن و مرد نیست پس از رجوع زن ببذل و عرض مانع رجوع از شوهر

نیز بر طرف می شود و بقیه مدت عده طلاق رجعی خواهد بود و علاوه بر آنکه زن

مستحق نفقه می شود توارث نیز بین آنان برقرار میگردد .

بنابراین در طلاق خلع و مبارات اصل عدم پرداخت نفقه میباشد و استثناء

آن حاملگی و رجوع زن به مهر میباشد . بعضی از فقهای امامیه معتقدند که

طلاق خلع و مبارات فقط از حیث عدم جواز رجوع در حکم بائن است و باقی احکام

رجعی که نفقه نیز از آن جمله است دارای باشد .

۵ - نفقه زن حامل در مدت عده و فات شوهر . حقوقین امامیه در نفقه زن

حامل در مدت عده و فات دارای دو قول هستند :

قول مشهور بر آنستکه زن حامل در مدت عده و فات مستحق نفقه نمی باشد قول

دیگر که نظر شیخ و پیروان اوست آنستکه نفقه حامل در مدت عده برای حمل

میباشد و باین جهت زن حامل در مدت عده و فوات مستحق نفقه خواهد بود .
 اظهاری نظر حقوقی در مورد نفقه زن حامل در عده و فوات بستگی بآن دارد که دانسته
 شود موجب استحقاق نفقه زن حامل در مدت عده طلاق باین دستور ماده
 ۱۱۰۹ چیست ؟

از نظر تحلیلی نفقه مطلقه باینه در مدت حمل ممکنست برای حمل او باشد
 بدین معنی که پدر از باب نفقه اقارب بفرزند خود که در حال تکامل وجود است
 نفقه میدهد و چون جنین نمی تواند مستقیماً از دهان تغذیه کند ب مادر داده می
 شود تا بوسیله خون و مع الواسطه تغذیه شود و ممکنست نفقه برای زوجه باشد که مادر
 حمل است و آثاری بشرح زیر دارد :

اصولاً علماء معتقدند که عده و فوات نفقه ندارد ولی در مورد اینکه آیا زن معذله
 که شوهرش فوت شده وعده و فوات نگه میدارد و حامل است نفقه بگیرد یا نه برخی
 معتقد به عدم استحقاق هستند و بعضی گفته اند تعلق میگیرد ولی نه بخاطر خود
 زن بلکه بخاطر جنین داده می شود که براین امر آثاری وارد است از این قرار:
 الف . در صورتیکه نفقه برای حمل باشد در این صورت فروض مختلفی در پیش است